



A Study on the Qur'anic Exegetes' Viewpoints and Hadith Comprehension of "Hubbu 'Alī b. Abī-Ṭālib Ḥasanatun"...

Abdul-Ali Pakzad* | Mahmud Ghayyum-Zade**

Received: 2021/6/2 | Accepted: 2021/9/9

Abstract

Although many Islamic narrations have emphasized the love of Ahl al-Bayt (prophetic household) and expressed its results and yields as well, however, the superficial look at the meaning of some of which may lead to *ibāḥa* (religious libertinism). One of these narrations, to which the present article is devoted, says "*Hubbu 'Alī b. Abī-Ṭālib Ḥasanatun lā Taḍurru Ma'ahā Sayyi'a wa bughḍuhu Sayyi'atu lā Tanfā'u Ma'ahā Ḥasana*". According to this narration, the love of 'Alī (PBUH) is a good deed that any bad deed does not harm with it at all, and his hatred is a bad deed that any good deed does not benefit with it at all. Taking a descriptive-analytical approach, the present article seeks to deliver a valid reception from the mentioned narrative. The result of the research is that true religious love requires entirely religious obedience. The reliable understanding of the narration is that the word *sayyi'a* (evil) in it is about to mean "small sins". Thus, the love of 'Alī (PBUH) only causes the forgiveness of these minor ones, God Willing. Of course, it seems that there is another valid interpretation, according to which, 'Alī's friendship is a good deed that no sin can make ineffective, because every kind of complete faith is achieved through the love of Ahl al-Bayt (PBUT).



Keywords: Qur'an, Islamic Narrations, Hadith Comprehension, Love, 'Alī b. Abī-Ṭālib

* Assistant Professor, Islamic Azad University, Bandar-Gaz Branch, Department of Islamic Thoughts | karimi@qabas.net

** Professor, Islamic Azad University, Saveh Branch, Department of Islamic Law and Thoughts | parvansd@gmail.com

□ Pakzad, A.A; Ghayyum-Zade, M. (2022) A Study on the Qur'anic Exegetes' Viewpoints and Hadith Comprehension of "Hubbu 'Alī b. Abī-Ṭālib Ḥasanatun".... *Biannual Journal of Comparative Exegetical Researches*, 7 (14) 7-33 . Doi: 10.22091/PTT.2021.5684.1784.



بررسی فقه‌الحدیثی و دیدگاه مفسران درباره روایت «حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ...»

عبدالعلی پاکزاد* | محمود قیوم زاده**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸

چکیده

روایات بسیاری بر محبت اهل بیت علیهم السلام تأکید نموده و آثارش را بیان کرده‌اند. نگاه سطحی به مفهوم برخی از این روایات، موجب اباحه‌گری می‌شود. روایت «حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ لَا تَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ...»، نمونه‌ای از این روایات است که موجب طرح دیدگاه‌های متفاوتی شده که در متن حاضر بررسی می‌شود. این نوشتار به روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی، در پی عرضه مفهوم درست روایت است. یافته پژوهش عبارت است از این که با استناد به برخی آیات قرآن و با مراجعه به تفاسیر و حدیث معتبر *امالی* شیخ مفید و *صحیحہ امالی* شیخ طوسی، حبّ واقعی ملازم اطاعت بوده و از مفاهیم درست روایت آن است که سیئه در آن، به معنای گناهان کوچک است و حبّ علی (ع) سبب آمرزش صغایر می‌شود. تحلیل درست دیگر آن است که دوستی با علی (ع)، حسنه‌ای است که هیچ گناهی اثر آن را حبط و بی اثر نمی‌کند؛ زیرا ایمان کامل، با حبّ اهل بیت علیهم السلام محقق می‌شود.



واژگان کلیدی: قرآن، روایات، مفسران، محبت، فقه‌الحدیث، روایت حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

* استادیار گروه معارف اسلامی، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران (نویسنده مسئول) | abpakzad53@gmail.com

** استاد گروه معارف و حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران | maarefteacher@yahoo.com

□ پاکزاد، ع.ع؛ قیوم‌زاده، مم. (۱۴۰۰). بررسی فقه‌الحدیثی و دیدگاه مفسران درباره روایت «حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ...»، دوفصل‌نامه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی. ۷ (۱۴)، ۳۳-۷. 10.22091/PTT.2021.5684.1784



طرح مسأله

محبت به امام علی (ع) چون از اولی القربی هستند، واجب است و آیه **﴿قُلْ لَا أَشَأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾** (شوری: ۲۳)، بر این معنا دلالت دارد (نراقی، ۱۳۶۹ ش، ص ۱۸۲). در روایات هم درباره دوستی و مودت اهل بیت علیهم السلام، تعبیری از قبیل اساس اسلام - «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ... أَساسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (صدوق، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۴۴۸) - سبب سعادت (طوسی، ۱۳۹۳ ش، ج ۲، ص ۹۰)، آمرزش خداوند (طوسی، ۱۳۹۳ ش، ج ۲، ص ۱۵۲۹) و موجب پذیرش ایمان (صدوق، ۱۳۹۳ ش، ج ۱، ص ۲۳۸) آمده است. این تعبیر، اهمیت دوست داشتن اهل بیت و جایگاه آن بزرگواران را نمایان می‌سازد.

روایات وارده درباره دوستی اهل بیت، به‌ویژه حضرت علی (ع) فراوان است؛ مانند روایت صحیح‌السند «حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ لَا تَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ...» (میرصانعی و کریمی، ۱۳۹۵ ش، ص ۱۵۱-۱۷۷) که مفهوم آن، معرکه آراء دانشمندان اسلامی است. نخستین مفهوم سطحی قسمت اول روایت مورد بحث آن است که در صورت برخوردار بودن از محبت علی (ع)، هیچ گناهی به آدمی صدمه نمی‌زند. ثمره این مفهوم، ترویج اباحه‌گری بوده و انسان را بر انجام دادن هر گناهی آزاد می‌گذارد. به سخن دیگر، «معنای ظاهر آن این است که نگران عاقبت گناه مباش و از گناه لذت ببر و باکی از انجام گناه و نافرمانی خداوند متعال نداشته باشید؛ چون با محبت به علی (ع) همه گناهان بخشیده می‌شود». (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ ش، ج ۱، ص ۱۷۵)

چون دو مقاله در بررسی صحت سند این روایت (میرصانعی و کریمی، ۱۳۹۵ ش، ص ۱۷۷-۱۵۱؛ حدادیان و رستمی، ۱۳۹۵ ش، ص ۲۵۱-۲۷۶) نگاشته شده است، از بررسی سندی آن خودداری می‌کنیم؛ ولی روایاتی را که در درستی دیدگاه چهارم به آن‌ها استدلال خواهیم کرد، بررسی سندی نموده، از بررسی سندی روایات شاهد به جهت اطاله بحث خودداری خواهیم کرد.

شارحان حدیث و برخی مفسران، تحلیل‌های متفاوتی درباره مفهوم این حدیث دارند

که به چهار دسته تقسیم می‌شود:

۱. حبّ کامل علی، ایمان کامل است و با ایمان کامل سیئات ضرری نمی‌زند؛
۲. محبت علی (ع) مانع ارتکاب هرگونه معصیت از شیعه می‌شود؛

۳. مراد از ضرر در روایت، ضرری است که سبب دخول در آتش و یا موجب خلود در آتش شود؛

۴. محبت علی (ع) موجب آمرزش گناهان صغیره می‌شود.

در نوشتار پیش روی، دیدگاه‌های ۱ و ۲ و ۳، نقد خواهد شد و در نهایت دیدگاه چهارم را چون درست دانسته، تحلیل و درستی این نظر را بررسی می‌کنیم و در ادامه، تحلیلی دیگر را خواهیم آورد که در بررسی روایت یادشده به‌دست آمده است.

پیشینه پژوهش

دو مقاله به بحث موردنظر پرداخته‌اند؛ یکی «جایگاه ولایت و عمل در نجات از منظر شیعه» (مفتاح، ۱۳۸۶ ش، مجله هفت آسمان، ص ۱۵۷-۱۸۰) و دیگری «من رشحاته حب علی» (تجلیل، ۱۴۱۳ ق، مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید، ص ۲۹-۵۷)؛ هم‌چنین در کتاب‌هایی از قبیل *قادتنا کیف نعرفهم* (میلانی، ۱۴۲۶ ق، ص ۱۴۷-۲۴۵)؛ *انیس الموحدین* (نراقی، ۱۳۶۹ ش، ص ۱۸۲)، *شب‌های پیشاور* (شیرازی، ۱۳۸۵ ش، ص ۵۲۴-۵۲۸)؛ و شرح *چهل حدیث* (خمینی، ۱۳۷۶ ش، ص ۵۶۷-۵۷۸) به آن اشاره شده است. نوآوری پژوهش پیش روی، بررسی مفهوم حبّ واقعی در روایت موردبحث با توجه به تفاسیر ذیل آیه ۸۶ سوره آل‌عمران و هم‌چنین بیان مستندات و تحلیل دیدگاه چهارم است که به نظر ما از معانی درست روایت به شمار می‌آید و تحلیل درست دیگری که در حین بررسی بدان دست یافتیم. پرسش اصلی این است که مفهوم دقیق و درست روایت «حُبُّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ...» چیست؟

پرسش‌های فرعی نیز این است که مفهوم حبّ در روایت موردنظر چیست و سازگاری دیدگاه‌های موجود با قرآن چگونه است؟

دیدگاه‌های موجود درباره معنای روایت «حُبُّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ لَا تَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ...» و نقد آن‌ها

دیدگاه‌های متفاوت از روایت یادشده عبارتند از:

الف) حُبُّ کامل امیرالمؤمنین مساوی با ایمان کامل

حُب کامل آن حضرت مساوی با ایمان کامل است و سیئات ضرر نمی‌رساند؛ زیرا خدا سیئات شخص گنهکار را به جهت اکرام به امیرالمؤمنین می‌آمرد، نه این که سیئات و معاصی او عقاب و بازخواست ندارد. این دیدگاه شهید قاضی طباطبایی بوده که در پاورقی کتاب *انیس الموحدین* (نراقی، ۱۳۶۹ ش، ۱۸۲) آمده است.

نقد دیدگاه اول

در پاسخ این دیدگاه گفته می‌شود: اگر منظور صاحب این دیدگاه از سیئه، گناهان اعم از صغیره و کبیره باشد، اولاً این دیدگاه معارض برخی نصوص قرآنی است که رسیدن به رستگاری و بهشت را برای کسانی می‌داند که ایمان و عمل صالح را توأمان داشته باشند؛ و ایمان به تنهایی در صورت داشتن فرصت عمل و نداشتن مانعی از قبیل تقیه (نحل: ۱۰۶) برای رستگاری کافی نیست. خداوند متعال می‌فرماید: *وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...* (بقره: ۲۵؛ کهف: ۲). هم‌چنین مطابق برخی نصوص قرآنی دیگر (نساء: ۳۱)، شرط رسیدن به رستگاری و آسیب ندیدن از صغایر، ایمان و عمل صالح است و نافرمانی مسلمان‌ها از خداوند متعال و رسولان الهی و اولیای دین در صورت عدم توبه، دخول در آتش به صورت طولانی و یا خلود در آن را به دنبال دارد. (نک. بقره: ۸۱ و ۲۰۶؛ نساء: ۱۴ و ۱۳۰؛ احزاب: ۳۳)

ثانیاً درست است که ایمان به ولایت علی (ع)، فصل‌اخیر ایمان کامل است، ولی به این معنا نیست که این ایمان و محبت به آن حضرت، از بین‌برنده تمامی گناهان اعم از کبایر و صغایر (قبل از محاسبه اعمال) باشد؛ زیرا «ولایت آن حضرت نگاه‌دارنده از گناه بوده است نه تشویق‌کننده آن» (مطهری، ۱۳۷۳ ش، ج ۱، ص ۳۳۲) و بلکه مطابق روایتی از امام باقر (ع) که می‌فرمایند: «لَا تُنَالُ وَلَا يُتَنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ» (کلینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶)، باید گفت: بدون عمل نیک و پرهیز از گناه، به ولایت اهل‌بیت و ایمان کامل نتوان رسید.

ثالثاً ایمان کامل بر اساس برخی روایات صحیحه، شناخت امام به اضافه انجام دادن کارهای نیک است که در روایت عمار بن موسی سابطی آشکارا آمده است:

«أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ التُّرَيْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ عَمَارِ بْنِ مُوسَى السَّابِطِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنَّ أَبَا أَمِيَّةَ يَوْسُفَ بْنَ ثَابِتٍ حَدَّثَ عَنْكَ

أَنَّكَ قُلْتَ: لَا يَضُرُّ مَعَ الْإِيمَانِ عَمَلٌ وَلَا يَنْفَعُ مَعَ الْكُفْرِ عَمَلٌ. فَقَالَ (ع): إِنَّهُ لَمْ يَسْأَلْنِي أَبُو أُمِيَّةَ عَنْ تَفْسِيرِهَا، إِنَّمَا عَنَيْتُ بِهَذَا أَنَّهُ مَنْ عَرَفَ الْإِمَامَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) وَتَوَلَّاهُ، ثُمَّ عَمِلَ لِنَفْسِهِ بِمَا شَاءَ مِنْ عَمَلِ الْخَيْرِ قَبْلَ مِنْهُ ذَلِكَ، وَضُوْعِفَ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً، فَانْتَفَعَ بِأَعْمَالِ الْخَيْرِ مَعَ الْمَعْرِفَةِ، فَهَذَا مَا عَنَيْتُ بِذَلِكَ، وَكَذَلِكَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا إِذَا تَوَلَّوْا الْإِمَامَ الْجَائِرَ الَّذِي لَيْسَ مِنَ اللَّهِ (تَعَالَى). فَقَالَ لَهُ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ: أَلَيْسَ اللَّهُ (تَعَالَى) قَالَ: * مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَرَعِ يَوْمِئِذٍ آمِنُونَ * (نمل: ۸۹). فَكَيْفَ لَا يَنْفَعُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ مِمَّنْ تَوَلَّى أُمَّةَ الْجَوْرِ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): وَهَلْ تَدْرِي مَا الْحَسَنَةُ الَّتِي عَنَاهَا اللَّهُ (تَعَالَى) فِي هَذِهِ الْآيَةِ، هِيَ وَاللَّهُ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ وَطَاعَتُهُ، وَقَالَ (عَرَوْجَلْ): * وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْتَرُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ * (نمل: ۹۰) وَإِنَّمَا أَرَادَ بِالسَّيِّئَةِ انْكَارَ الْإِمَامِ الَّذِي هُوَ مِنَ اللَّهِ (تَعَالَى). (شيخ طوسی، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۴۱۷)

«عمار بن موسی ساباطی گفت: به حضرت صادق (ع) عرض کردم: ابوامیه یوسف بن ثابت از شما روایت کرده که فرموده‌اید: با وجود ایمان، عمل [بد] زیان نمی‌رساند و با وجود کفر، کردار [نیکو] سود نمی‌رساند؟ حضرت فرمودند: "ابوامیه تفسیرش را از من نپرسید. مقصود من این بود هر کس امام خاندان محمد (ص) را بشناسد و سرپرستی او [بر خودش] را بپذیرد، سپس آنچه از عمل نیک می‌خواهد برای خودش عمل کند از او پذیرفته شده و برایش چندین برابر می‌شود و به سبب اعمال نیک همراه با معرفت سود می‌برد. این مقصود من بود؛ هم‌چنان که خدا اعمال نیک را از بندگان پیرو امامی ستم‌کار که از سوی او نیست نمی‌پذیرد." آن‌گاه عبدالله بن ابی‌یعفور گفت: "مگر خداوند والا فرموده است: «هر کس عمل بدی بکند به‌صورت در دوزخ می‌افتد؛ آیا جز بر آنچه عمل می‌کردید جزا خواهید دید» و مقصود خداوند از بدی، انکار امامی است که از جانب خداوند است؟" پس حضرت صادق (ع) فرمودند: "هر کسی در روز قیامت با ولایت امامی ستم‌کار که از جانب خداوند نیست و با انکار حق ما و ولایت ما بیابد، خداوند والا او را به‌صورت در دوزخ می‌اندازد».

بررسی سند روایت امامی شیخ طوسی

۱. مفید: نجاشی (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۳۹۹) و طوسی (طوسی، ۱۴۳۰ ق، ص ۴۹۹)؛

۱۴۳۵ ق، ص ۲۳۹) وی را تفه می‌دانند.

۲. احمد بن محمد: نجاشی (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۸۴) و طوسی (طوسی، ۱۴۳۵ ق، ص ۷۸) وی را ثقه معرفی کردند.
 ۳. الحمیری «عبدالله بن جعفر الحمیری»: نجاشی (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۲۱۹) و طوسی (طوسی، ۱۴۳۵ ق، ص ۱۶۷) به وثاقت وی تصریح کردند.
 ۴. ابن ابی الخطاب: نجاشی (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۳۳۴) و طوسی (طوسی، ۱۴۳۰ ق، ص ۲۱۵ و ۳۷۹) وی را توثیق نمودند.
 ۵. ابن محبوب: طوسی وی را ثقه دانسته است. (طوسی، ۱۴۳۰، ص ۳۳۴؛ ۱۴۳۵، ص ۹۶)
 ۶. هشام بن سالم: نجاشی حکم به وثاقت وی کرده است. (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۴۳۴)
 ۷. الساباطی «عمار بن موسی»: نجاشی وی را ثقه دانسته (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۲۹۰)؛ ولی شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۳۵ ق، ص ۱۸۹) و ابن شهر آشوب (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ ش، ص ۸۷) وی را دارای کتاب و فطحی مذهب دانسته‌اند.
- تمام روایان سند، موثق و امامی مذهب هستند، مگر عمار بن موسی ساباطی که شیخ طوسی وی را فطحی مذهب خوانده؛ ولی این نظر قطعی نیست؛ چه آن که نجاشی (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۲۹۰) در هنگام معرفی ساباطی، فطحی بودن او را ذکر نکرده و روشن است که نجاشی در صدد جمع‌آوری نویسندگان شیعه بوده است؛ به همین جهت وی شیعه تلقی خواهد شد و باید حکم به صحیح بودن روایت کرد و با فرض قبول فطحی بودن وی، مذهب راوی ضرری به توثیق وی نمی‌زند. (پاکزاد، رستمی و جلالی، ۱۳۸۹ ش، ص ۴۹)

محتوای صحیحه عمار ساباطی

محتوای صحیحه عمار ساباطی این است که ایمان کامل، شناخت و ولایت‌پذیری امام است که در تحلیل آن باید گفت: منظور از «توگًا» در روایت، اطاعت‌پذیری از امامان معصوم است؛ چنان که در روایتی امام باقر (ع) فرمود:

«مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعًا فَهُوَ لَنَا وَلِيُّ وَمَنْ كَانَ لِلَّهِ عَاصِيًا فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ؛ مَا تَنَالُ وَلَا تَيْتُنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ». (کلینی، بی تا، ج ۳، ص ۱۱۹)

در این روایت، «امام باقر (ع) ملاک محبت و ولایت خود را اطاعت خدا و ملاک دشمنی با خود را نافرمانی از خداوند بازگو می‌کنند و انجام دادن عمل صالح و پرهیزگاری از

گناه را دست‌مایه ولایت و محبت خود دانسته، می‌فرماید که با نافرمانی خدا و سستی در انجام دادن تکالیف الهی، نمی‌توان به ولایت اهل‌بیت رسید؛ زیرا به واسطه گناه و اصرار بر آن، محبت خدا و دوستانش و اهل‌بیت از دل انسان خارج می‌گردد». (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۲۵)

هم‌چنین در روایت صحیح «عمر و بن ابی‌المقدام» که تمامی راویانش توثیق شدند، از امام صادق (ع) از پدرش نقل می‌کند که امام باقر (ع) در ضمن روایتی طولانی فرمود: «وَاعْلَمُوا أَنَّهُمْ لَا يَتَنَا لَا تَنَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ وَمَنْ اتَّكَمَ مِنْكُمْ بِعَبْدٍ فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِهِ (کلینی، ۱۳۸۲ ش، ج ۲، ص ۱۹)؛ بدانید به ولایت ما نتوان رسید جز با پارسایی و کوشش و هر کس از شما، پیرو یک بنده خدا باشد، باید کردار او را داشته باشد».

بررسی سند صحیح «عمر و بن ابی‌المقدام»

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ: نجاشی وی را توثیق نمود. (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۲۶۰)
۲. ابیه «ابراهیم بن هاشم»: نجاشی درباره وی سکوت نموده، می‌نویسد: "وی اولین کسی است که حدیث کوفیان را در قم نشر داد" (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۱۶). علاوه بر دلایل فراوانی که برخی بزرگان بر ثقه بودن وی گفته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۳ ش، ج ۱، ص ۵۸۶)، سخن نجاشی با توجه به سخت‌گیری قمی‌ها در پذیرش حدیث، دلالت دارد. علامه حلّی (حلّی، ۱۴۳۱ ق، ص ۴۵)، خوبی (خوبی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۲۹۱) و جوادی آملی (جوادی آملی، ۱۳۹۳ ش، ج ۱، ص ۵۸۶) وی را ثقه می‌دانند.
۳. ابن ابی عمیر: نجاشی (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۳۲۶) و طوسی (طوسی، ۱۴۳۵ ق، ص ۲۱۸؛ ۱۴۳۰ ق، ص ۳۶۵) تصریح به ثقه بودنش دارند.
۴. عمرو بن ابی‌المقدام: ابن غضائری وی را ثقه دانسته است. (حلّی، ۱۴۳۱ ق، ص ۲۱۲) هم‌چنین باید گفت: در صورت پذیرش دیدگاه اول، روایت مورد بحث مروج اباحه‌گری است و این با فلسفه ارسال رسل (نحل: ۳۶) و انزال کتب که با هدف بندگی کردن خدا و هدایت مردم (بقره: ۱۸۵) می‌باشد، سازگار نیست.

ب) محبت علی (ع)، مانع ارتکاب هرگونه معصیت از شیعه

بزرگانی چون: شهید ثانی، محقق بهبهانی، فیض کاشانی (میرصانعی و کریمی، ۱۳۹۵)

ش، ص ۱۶۴) و شهید مطهری (مطهری، ۱۳۷۳ ش، ج ۱، ص ۳۲۱-۳۲۲) این دیدگاه را مطرح کرده‌اند. شهید مطهری می‌نویسد:

«معنای حدیث این است که محبت علی (ع)، حسنه‌ای است که مانع ضرر زدن گناه می‌شود؛ یعنی مانع راه یافتن گناه می‌شود». (مطهری، ۱۳۷۳ ش، ص ۳۲۱-۳۲۲)

امام خمینی هم نزدیک به دیدگاه دوم، می‌نویسد:

«...حب آن سرور، نورانیت و ملکه ایمان در قلب حاصل کند که احتراز از گناهان کند؛ و اگر گاهی به گناهی مبتلا شد، آن را به توبه و انابه ترمیم نماید». (خمینی، ۱۳۷۶ ش، ص ۵۷۴)

نقد دیدگاه دوم

اولاً در روایت مورد بحث، ضمیر «معها» در بخش اول به حسنه برمی‌گردد نه به شخصی که نیکی انجام می‌دهد تا بگوییم گناه به نیکی کننده ضرر نمی‌زند و کننده نیکی به واسطه محبت به علی (ع) مرتکب زشتی نمی‌شود. هم چنین در بخش دوم روایت هم ضمیر «معها» به حسنه برمی‌گردد نه به کسی که با امام علی (ع) دشمنی دارد تا بگوییم مبغض ایشان از حسنه نفعی نمی‌برد؛ بلکه می‌گوید: با دشمنی علی (ع) هیچ عمل نیکی، کار نیک محسوب نمی‌شود.

ثانیاً «هر چند هدف نهایی از تأکید بر محبت امیرمومنان، الگوپذیری از رفتار و کردار آن حضرت و نزدیک شدن به نمونه انسان کامل است، نمی‌توان محبت به آن حضرت را منحصر به معصومان دانست. انسان‌های فراوانی هستند که محبت به شاه ولایت را در دل خود احساس می‌کنند ولی به مرتبه عصمت نرسیده‌اند و گاهی بر اثر غلبه شهوات، مرتکب معصیت می‌شوند» (میرصانعی و کریمی، ۱۳۹۵ ش، ص ۱۶۵). این واقعیت خارجی (انجام دادن گناه در عین علاقه‌مندی به اهل بیت) با آنچه صاحبان دیدگاه دوم می‌گویند، همخوانی ندارد؛ زیرا افراد فاقد حب کامل - که این حب همان اطاعت‌پذیری صددرصد باشد - مرتکب گناه می‌شوند.

ج) عدم دخول و یا خلود در آتش

همان گونه که علامه مجلسی و ملا صالح مازندرانی در باب «أَنَّ الْإِيمَانَ لَا يَضُرُّ مَعَهُ سَيِّئَةٌ» (مجلسی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱۱، ص ۳۶۹؛ مازندرانی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱۰، ص ۲۶۶) بیان کرده‌اند، برخی دیگر از نویسندگان هم نوشته‌اند:

«محبت علی (ع)، اساس دین و معیار ایمان است و دوست‌دار ایشان که قهراً مسلمان است، دچار ضرر اصلی که عذاب اخروی یا خلود در آن است، نمی‌شود؛ اگرچه در دنیا و برزخ، کیفرهایی می‌بیند». (میرصانعی و کریمی، ۱۳۹۵ ش، ص ۱۵۱)

نقد دیدگاه سوم

اولاً درست است که اساس دین، محبت علی و اهل‌بیت علیهم‌السلام است، چراکه فصل‌اخیر ایمان، محبت و قبول ولایت آنان می‌باشد، ولی این که ما مفهوم ضرر در روایت «حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ» را حمل بر ضرر داخل شدن و یا جاودانه ماندن در جهنم بدانیم و محب علی (ع) را از این ضرر مبرا به شمار آوریم، خلاف ظاهر اطلاق روایت مورد بحث است.

ثانیاً این که مثل برخی نویسندگان بگوییم: «روایاتی که می‌گویند با وجود محبت علی هیچ گناهی ضرر نمی‌زند یا محبت علی گناهان را می‌خورد و مانند این مضامین را نباید در ردیف ادله احکام یا واجبات و محرّمات قرار داد بلکه مقدم و مافوق آنهاست؛ و یا این که بگوییم: محبت علی کیمیایی است که فوق همه این امور است و تمام آلودگی‌ها را می‌شوید» (میرصانعی و کریمی، ۱۳۹۵ ش، ص ۱۶۹)، پذیرفته نیست؛ زیرا این گونه روایات بر فرض صحت سند، در برابر نص قرآنی که بخشش الهی را منوط به ایمان (نساء: ۴۸) دانسته و ایمان با نصاب کامل را که با داشتن ولایت و محبت علی (ع) محقق می‌شود و هم‌چنین آیه‌ای که بخشش را با اجتناب از کبایر (نساء: ۳۱) قید زده، تاب ایستادگی در برابر نص را ندارد و مقدم بر این ادله اعتقادی نیست.

ثالثاً درباره این که نویسندگان مذکور می‌گویند: «یکی از مکفّرات در کنار توبه و عمل صالح، حبّ اهل‌بیت و در رأس آن حبّ امیر مومنان است» (میرصانعی؛ کریمی، ۱۳۹۵ ش، ص ۱۶۷)، باید گفت: صاحب کتاب *الصحیح فی فضل زیاره الرضویه*، قبل از نویسندگان مذکور این حرف را گفته (خدایان آرانی، ۱۳۹۱ ش، ص ۹۲) ولی در پاسخ این سخن می‌گوییم: «درست است که توبه و استغفار و بازنگشتن به گناه و مکفر بودن محبت اهل‌بیت علیهم‌السلام، موجب بخشش مرتکب گناه از سوی خداوند متعال می‌شود و این بخشش از اصول مسلم قرآن است، ولی در این فرض، دیگر سیئه‌ای وجود نخواهد داشت، بلکه بخشیده

و یا تبدیل به حسنه می‌شود» (پاکزاد، رستمی و جلالی، ۱۳۸۹، ش، ص ۴۵)؛ اضافه آن که مضمون اولیه بخش نخست حدیث "حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ"، این است که به صورت مطلق، گناه به دارنده محب علی (ع) آسیبی نمی‌زند؛ در حالی که بر اساس اصول قرآنی، گناه به سعادت آدمی آسیب می‌رساند و سهم گناه در هلاکت انسان انکارناپذیر است. هم‌چنین گفته می‌شود، روایت یادشده، ناظر به صدمه نزدن قبل از مرحله شفاعت است که بر اساس روایات، شفاعت پیامبر (ص) - «إِدَّخَرْتُ شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي» - و اهل بیت علیهم‌السلام، ناظر به گناهان کبیره و در قیامت (سبحانی، ۱۳۷۰، ش، ص ۱۹۳) و مربوط به مابعد برزخ (مطهری، ۱۳۷۳، ش، ح ۱، ص ۳۴۰) است و اثر محبت صادق علی (ع) در این روایت، به گناهان صغیره و قبل از شفاعت نظارت دارد.

د) محبت علی (ع) موجب آمرزش گناهان صغیره

این دیدگاه را کسانی مانند شیخ مفید، حسن عبدالله علی (میرصانعی و کریمی، ۱۳۹۵، ش، ص ۱۶۷) و سلطان‌الواعظین (شیرازی ۱۳۸۵، ش، ص ۵۲۶) مطرح کرده‌اند. سلطان‌الواعظین بر مبنای آیه ۳۱ سوره نساء در مفهوم این حدیث می‌فرماید:

«دوستی علی یک حسنه و ثوابی است که هیچ سیئه و گناه کوچکی به آن ضرر نمی‌رساند... در سیئات و صغایر اعمال، اگر مسلمانی بی‌توبه از دنیا برود و محب علی (ع) باشد، خداوند او را عفو نموده، به مجازات نمی‌رسد و جحیم و جهنم نمی‌بیند، او را داخل بهشت می‌نماید؛ چون خدای متعال در آیه شریفه وعده عفو داده و برای عفو و آمرزش و سالی قرار داده؛ حبّ علی (ع) یکی از وسایلی است که مورد عفو قرار می‌دهد.» (شیرازی، ۱۳۸۵، ش، ص ۵۲۶)

نظر مختار، مستند و تحلیل دیدگاه چهارم

دیدگاه چهارم، دیدگاه درست و از معنای واقعی روایت است. برای تبیین این نظر نکاتی را ذکر می‌کنیم:

۱. شرط رستگاری و آمرزش گناهان در قرآن و روایات

برخی آیات، ایمان و عمل صالح را شرط رسیدن به پاداش و ثواب و سرانجام نیک

می‌دانند (بقره: ۲۵). خداوند در مورد آمرزش گناهان می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ...» (نساء: ۴۸). «مطابق این آیه، خداوند هر گناهی را می‌آمرزد؛ مگر گناه شرک. شرک گناهی است که خدا آن را نمی‌آمرزد و در قرآن آمده که گناهان کوچک بدون توبه را خداوند می‌آمرزد». (مصباح یزدی، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۴۵)

هم‌چنین خداوند می‌فرماید: «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكَفَّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ...» (نساء: ۳۱). از این دو آیه استفاده می‌شود که آمرزش گناهان صغیره، به شرط خودداری از گناهان بزرگ است و برای آمرزش گناهان کبیره، وعده‌ای از جانب خدا نیست. هم‌چنین امام رضا (ع) از آباتش از رسول اکرم (ص) روایت کرده که فرمودند:

«جبرئیل از جانب خداوند نزد من آمد و گفت: خداوند تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید: "مؤمنان را که عمل صالح کرده‌اند و به تو و اهل بیت تو مؤمن بوده‌اند، به بهشت بشارت بده! به راستی که از برای ایشان نزد من جزایی بسیار نیکوست و به زودی وارد بهشت خواهند شد"». (صدوق، ۱۳۸۴ ش، ج ۲، ص ۲۸)

۲. مراتب محبت

محبت در لغت، به معنای «خواستن و تمایل به چیزی که می‌بینی و آن را خیر می‌پنداری می‌باشد» (اصفهانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۴۰). «محبت تنها یک علاقه قلبی نیست؛ بلکه باید آثار آن در عمل انسان منعکس باشد. کسی که مدعی حبّ پروردگار است، نخستین نشانه آن این است که از پیامبر و فرستاده او پیروی کند». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۸۵)

برای تبیین درست مفهوم محبت در روایت مورد بحث، باید مراتب محبت روشن شود. به‌طور کلی برای محبت، از نظر شدت و ضعف، سه مرتبه می‌توان قائل شد:

اول، مرتبه ضعیف که مقتضی نزدیک شدن به محبوب در شرایط عادی است؛ ولی هیچ نوع فداکاری و از خود گذشتگی در آن وجود ندارد.

دوم، مرتبه متوسط که علاوه بر خواست نزدیک شدن، مقتضی فداکاری در راه اوست؛ ولی تا حدی که با منافع کلی و اساسی شخص مزاحمت نداشته باشد.

سوم، مرتبه شیفتگی و خودباختگی که از هیچ نوع فداکاری در راه محبوب دریغ نمی‌دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۳۵)

«شرط صدق اظهار محبت به خداوند، تبعیت از پیامبر قرار داده شد و کمال تبعیت از پیامبر، تبعیت از اهل بیت که محبت آن‌ها را به عنوان اجر و مزد رسالت از ما خواسته و در حدیث ثقلین امر به تمسک به آن کرده است». (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۱)

۳. اطاعت؛ لازمه محبت

بی تردید آن چه در روایات در مورد آثار دوستی نسبت به علی (ع) و اهل بیت علیهم السلام آمده، به استناد برخی آیات و روایات پیش روی، مرتبه سوم محبت است؛ زیرا اولاً در برخی نصوص قرآنی، لازمه محبت، اطاعت بیان شده و از آن نصوص استفاده می شود که دوست داشتن واقعی، دوستی ای است که با اطاعت از محبوب همراه باشد. دو نمونه از آن نصوص عبارت است از:

الف) قرآن کریم در راستی آزمایی و فهماندن یهودیانی که ادعای دوستی با خدا را داشته‌اند، برای سنجش محبت واقعی آنان به خداوند متعال، آنان را به اطاعت از رسول اکرم دستور داده و از این دستور استفاده می شود که اطاعت از محبوب، شرط لازم محبت صادقانه است و روی گردانی از رسول اکرم، مساوی با کفر. خدا می فرماید: *قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي...* *قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ* (آل عمران: ۶۸-۶۹). «آیه ۶۸ سوره آل عمران، بر تلازم محبت و اطاعت دلالت دارد» (طباطبایی، ۱۳۷۰، ش، ج ۳، ص ۲۳۲). «تبعیت به معنای اطاعت عملی و حرکت در پشت سر است» (انصاری، ۱۳۹۴، ش، ج ۳، ص ۸۰). برخی مفسران نوشته‌اند: «اگر محبت تو صادق و راستین است، هر آینه او را اطاعت باید کرد؛ چون فردی که کسی را دوست می دارد از او اطاعت می کند» (کاشانی، ۱۳۸۹، ش، ج ۱، ص ۳۱۱). «آیه شریفه، نشان گر این واقعیت است که معیار پیوند با پیامبران، عقیده و راه و رسم زندگی است نه پیوند نژادی و نسبی» (طبرسی، ۱۳۷۸، ش، ج ۲، ص ۲۸۹؛ واحدی، ۱۴۳۴، ق، ج ۴، ص ۲۱۱؛ نخجوانی، ۱۳۹۵، ق، ج ۲، ص ۲۳۴؛ زمخشری، ۱۴۲۹، ق، ج ۱-۲، ص ۴۱۰؛ حداد، بی تا، ج ۱، ص ۹۸؛ حسینی، ۱۳۶۷، ق، ج ۲، ص ۱۱۰). «ملاک نزدیکی و پیوند هر کسی به انبیا، تقوا و اطاعت خداست؛ هر چند فرد با تقوا هیچ نسبت خویشاوندی با آنان نداشته باشد... این اصل فراگیر قرآنی در آیه ۶۸ سوره آل عمران بیان شد» (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ش، ج ۱۴، ص ۵۵۰). این دیدگاه را امام علی (ع) نیز تأیید کرده، می فرماید:

«سزاوارترین مردم به پیامبران، کسانی‌اند که بیش‌تر از همه به دستوره‌های آنان عمل کنند و راه و رسم آنان را بپویند».

آن‌گاه به تلاوت آیه ۶۸ سوره آل‌عمران پرداختند و سپس فرمودند:

«ای بندگان خدا، بی‌گمان دوست واقعی محمد (ص) کسی است که او را فرمان برد، گرچه از نظر نسب و نژاد از آن حضرت دور باشد...». (طبرسی، ۱۳۷۸ ش، ج ۲، ص ۲۸۹)

صاحب تفسیر مواهب‌الرحمان، بعد از ذکر روایت مذکور می‌نویسد:

«روایات با مضمون حدیث فوق، بسیار است و مضمون آن با قواعد عقلی منطبق می‌باشد که حکم می‌کند متابعت در عمل محقق می‌شود نه با مجرد گفتن و حدیث مذکور شارح بسیاری از اخباری است که در این معنا آمده است». (موسوی سبزواری، ۱۴۱۸ ق، ج ۶، ص ۴۹)

ب) قرآن کریم (ابراهیم: ۳۶) از زبان ابراهیم خلیل، نشانه صدق همراهی با ابراهیم را تبعیت از وی دانسته است. برخی از مفسران هم با استناد به این روایت امام صادق (ع): "هر کس از شما تقوای الهی پیشه کند و عمل صالح انجام دهد از ما اهل بیت است" (فیض کاشانی، ۱۳۸۶ ش، ج ۴، ص ۲۴۵؛ طیب، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۹۵)، اطاعت را لازمه محبت می‌دانند. هم‌چنین با دقت در روایات پیش روی که دو نمونه آن از نظر سندی معتبر است، به دست می‌آید که مراد از محبت، مرتبه سوم محبت است.

روایت اول: در حدیث صحیح طولانی که راویانش چنین است: "علی بن ابراهیم عن أبیه و عبدالله بن الصلت جمیعا عن حماد بن عیسی عن حریر بن عبدالله عن زراره عن أبی جعفر (ع)...". (مجلسی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۳۹۶)، امام باقر (ع) بنای اسلام را بر پنج چیز دانسته و ولایت را برتر آن‌ها شمرده و در انتهای روایت فرموده‌اند:

«بالاترین مرتبه امر دین و مایه خرسندی خدای رحمان، اطاعت از امام است بعد از شناسایی او».

سپس به آیه ۸۰ سوره نساء اشاره کرده، می‌فرماید:

«اگر مردی شب‌ها را به عبادت به‌پاخیزد و روزها را روزه دارد و تمام اموالش را صدقه دهد و در تمام دوران عمرش به حج رود، اما امر ولایت ولی خدا را نشناسد تا از او پیروی

کند و تمام اعمالش با راهنمایی او باشد، برای او از ثواب خدای جل و عز حقی نیست و او از اهل ایمان نباشد».

سپس فرمودند:

«خدا نیکوکاران از ایشان را به فضل رحمت خویش داخل بهشت کند... ثم قال ذروه الامر و سَنَامُهُ و مفتاحه و باب الاشياء و رضا الرحمان الطاعه الامام بعد معرفته ان الله عز وجل يقول... (نساء: ۸۰) اما لو ان الرجل قام ليله و صام نهاره و تصدق بجميع ماله و حج جميع دهره و لم يَرِف و لايه و لى الله فيواليه و يكون جميع اعماله بدلالته اِليه ما كان له على الله حق في ثوابه و لا كان من اهل الايمان ثم قال اولئك المحسن منهم يُدخِلُهُ اللهُ الْجَنَّةَ بِفَضْلِ رَحْمَتِهِ». (كليني، بی تا، ج ۳، ص ۳۰-۳۲)

روایت دوم: «حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَامِرٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَصْرِيِّ عَنِ أَبِي الْمَعْرِيِّ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ خَيْثَمَةَ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ...؛ خَيْثَمَةُ مَيَّ كَوَيْدٍ: از امام باقر (ع) شنیدم که فرمودند: «هر کس به ما تمسک جوید، نجات یابد و به مقصد رسد و هر کس از ما سر بیچد و عقب ماند، غرق شود و ماییم که به وجود ما از شما عذاب برداشته شود. پس هر کس ما را شناخت و درباره ما بینا شد و راه ما را در پیش گرفت و حق ما را شناخت، از ماست و به ما پیوندد». (صفار، ۱۳۹۱ ش، ج ۱، ص ۱۴۵)

بورسی سندی روایت خیمه

تمامی راویان این حدیث ثقه هستند:

۱. ابو جعفر محمد بن حسن بن فروخ صفار: نجاشی وی را ثقه دانسته است. (نجاشی،

۱۴۳۲ ق، ص ۳۵۶)

۲. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَامِرٍ: نجاشی حکم به وثاقت وی کرده است. (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۵۶۷)

۳. عباس بن معروف: نجاشی او را ثقه دانسته است. (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۲۸۱)

۴. عبدالرحمان بن ابی عبدالله البصری: نجاشی وی را توثیق کرده است. (نجاشی، ۱۴۳۲

ق، ص ۲۵۴)

۵. ابی المعزى: نجاشی به وثاقتش تصریح کرده است. (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۱۳۳)

۶. ابی بصیر: نجاشی وی را موثق می‌داند (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۳۴۶) و آیت الله خویی

می‌نویسد: «أَبِي بَصِيرٍ: اگر در روایات ابوبصیر به صورت مطلق آمده، همان یحیی بن ابی‌القاسم ثقه است». (خویی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۲، ص ۵۲)

۷. خَئِمَةٌ: نجاشی وی را ثقه دانسته (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۱۱۰) و نمازی از قول علی بن احمد‌العقیقی درباره‌اش نوشته است: "کان فاضلاً". (نمازی، ۱۴۳۶ ق، ص ۲۱۸)

تحلیل حدیث

این حدیث به روشنی بیان می‌کند که هر کس به اهل‌بیت تمسک کند، از گردنه‌ها عبور می‌کند؛ و هر کس به آن‌ها متمسک نشود، نابود می‌شود و هر کس راه و روش آن‌ها را سرلوحه زندگی خویش قرار دهد و از دستورهای آنان تبعیت کند به اهل‌بیت می‌پیوندد.

علاوه بر دو روایت صحیح‌السند، برخی از روایات دیگر هم بر مدعای ما دلالت دارد: الف) «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ زِيَادٍ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ (ع): كَذِبٌ مَنْ رَعَمَ أَنَّهُ يَعْرِفُنَا وَهُوَ مُتَمَسِّكٌ بِعُرْوَةِ غَيْرِنَا» (صدوق، ۱۳۸۵ ش، ج ۲، ص ۴۲۲)؛ امام صادق (ع) فرمودند: «شخصی که تصور کند ما را می‌شناسد و او به دستگیره‌ای جز (احکام) ما چنگ زده باشد، دروغ گفته است! کسی که ما را شناخت، در احکام جز از ما پیروی نمی‌کند».

ب) «حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَمَنْ يَقْتَرِفْ... قَالَ الْإِقْتِرَافَ التَّسْلِيمِ لَنَا وَالصَّدْقُ عَلَيْنَا وَلَا يَكْذِبُ عَلَيْنَا» (صفار، ۱۳۹۲ ش، ج ۲، ص ۵۴۸)؛ امام باقر (ع) در معنای اقرار از آیه ۳۲ سوره شوری می‌فرماید: «انجام دادن کار نیک، تسلیم بودن نسبت به ما و راست بودن با ماست و این که بر ما دروغ نیندد».

ج) قلت لأبي جعفر (ع) تركت مواليك مختلفين يتبترأ بعضهم من بعض؛ قال وما أنت وذاك أنما كلف الله ثلاثة معرفة الأئمة والتسليم لهم فيما يرد عليهم والرد عليهم فيما ختلفوا فيه (صفار، ۱۳۹۲ ش، ج ۲، ص ۵۵۳)؛ سدید می‌گوید، به امام باقر گفتیم: «دوستان و شیعیانتان را رها کردید تا باهم اختلاف کنند و بعضی از یک‌دیگر بیزاری بجویند؟» فرمودند: «تو را چه به آن‌ها؟ همانا مردم به سه چیز تکلیف دارند: اول، معرفت پیدا کردن نسبت به امامشان؛ دوم، تسلیم شدن در برابر آن‌ها در آن چه برایشان پیش می‌آید؛ و سوم، در آن چه در آن اختلاف پیدا می‌کنند، حل اختلافشان را به آن‌ها واگذارند».

مراد از سیئه در روایت حبّ علی؛ گناه کوچک

بعد از روشن شدن مفهوم حب واقعی که همان اطاعت از محبوب و بنا گذاشتن بر اطاعت از محبوب است، گفته می‌شود که مراد از سیئه در روایت حبّ علی، گناه کوچک است. شاهد و بلکه دلیل قوی بر آن، روایت معتبر از امام صادق (ع) است که ایشان بخشش صغایر با اجتناب کبایر را با استناد به آیه ۳۱ سوره نساء با برخورداری از ولایت اهل بیت علیهم السلام وعده داده است:

«قال أَخْبَرَنِي ابوالقاسم جعفر بن محمد رَحِمَهُ اللهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنْ أَحْمَدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو وَابِرَاهِيمِ بْنِ رَاخَةَ الْبَصْرِيِّ جَمِيعًا قَالَا مِيسَّرُ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: مَا تَقُولُ فِيمَنْ لَا يَصِي اللّٰهَ فِي أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ إِلَّا أَنَّهُ يَسْرًا مِنْكَ وَمِنْ أَصْحَابِكَ عَلَيَّ هَذَا الْأَمْرُ؟ قَالَ: قُلْتُ: وَمَا عَسَيْتُ أَنْ أَقُولَ وَأَنَا بِحَضْرَتِكَ؟ قَالَ قُلْ: فَإِنِّي أَنَا الَّذِي أَمُرُكَ أَنْ تَقُولَ. قَالَ قُلْتُ: هُوَ فِي النَّارِ. قَالَ يَا مِيسَّرُ مَا تَقُولُ فِي مَنْ يَدِينُ اللّٰهَ بِمَا تَدِينُهُ بِهِ، وَفِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ مَا فِي النَّاسِ إِلَّا أَنَّهُ مُجْتَنِبُ الْكِبَائِرِ؟ قَالَ قُلْتُ: وَمَا عَسَيْتُ أَنْ أَقُولَ وَأَنَا بِحَضْرَتِكَ؟ قَالَ قُلْ: فَإِنِّي أَنَا الَّذِي أَمُرُكَ أَنْ تَقُولَ. قَالَ قُلْتُ: فِي الْجَنَّةِ. قَالَ فَلَعَلَّكَ تَحْرَجُ أَنْ تَقُولَ: هُوَ فِي الْجَنَّةِ؟ قَالَ قُلْتُ: لَا. قَالَ: فَلَا تَحْرَجْ، فَإِنَّهُ فِي الْجَنَّةِ، إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: *إِنْ تَجْتَنِبُوا كِبَائِرَ مَا تَنْهَوْنَ عَنْهُ نَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا*». (نساء: ۳۱- مفید، ۱۳۶۴ ش، ص ۱۶۷-۱۶۸)

بررسی سند

تمامی راویان حدیث ثقه هستند:

۱. مفید: در صحیح‌ه سابقه سابطی گذشت و ثقه است.
۲. جعفر بن محمد: نجاشی وی را ثقه دانسته است. (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۱۲۳)
۳. ابیه (محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه): نجاشی وی را ثقه دانسته است. (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۲۱۴)
۴. سعد بن عبدالله (ابن ابی خلف الأشعری القمی): نجاشی وی را ثقه دانسته است. (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۱۷۷)
۵. احمد بن محمد بن عیسی: نجاشی به وثاقتش حکم کرده است. (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۸۴؛ طوسی، ۱۴۳۵ ق، ص ۷۸)

۶. محمد بن سنان: اگرچه برخی وی را تضعیف نموده‌اند، شیخ مفید و بزرگانی دیگر وی را ثقه دانسته و کثیری روایاتی را در مدح وی نقل کرده که دلالت بر توثیق وی دارد. در مجموع باید گفت: محمد بن سنان موثق است؛ چراکه نجاشی وی را تضعیف ننموده؛ بلکه تضعیف ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید را نقل کرده است (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۳۲۸). هم‌چنین علی بن حسین داوود می‌گوید: از اباجعفر امام جواد (ع) شنیدم که از محمد بن سنان به نیکی یاد کرده، فرمودند: "به واسطه این که من از او راضی هستم خداوند از او راضی شود. او هرگز نه با من و نه با پدرم مخالفتی نکرده است". (طوسی، ۱۳۷۸ ش، ج ۲، ص ۶۰۵). اگرچه وی در زندگانی خود دچار لغزش شد، سرانجام ثابت‌قدم ماند و امام جواد (ع) و بسیاری از دانشمندان امامیه او را توثیق کردند. (عرب و نقی‌زاده، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۱۶۵)
۷. عبدالکریم بن عمرو: نجاشی وی را ثقه دانسته است. (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۲۴۵)
۸. ابراهیم بن راحه البصری: در رجال ذکر نشده ولی چون ایشان با عبدالکریم بن عمرو، از میسر بن عبدالعزیز نقل کرده، ثقه بودن عبدالکریم بن عمرو در صحت سند کافی است.
۹. مِيسِرَّ (مِيسِرَّ بن عبدالعزیز النخعی بیاع الزُّطی): از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت می‌کرد (نجاشی، ۱۴۳۲ ق، ص ۳۶۸) "و ثقه علی بن الحسن وعده ابن شهر آشوب، من خواص اصحاب الصادق (ع) و قال العلامة من القسم الاول و قد روی الكلینی و الكشی روایات جلیله شریفه داله علی عظیم المنزله و سمو مرتبه". (حسینی بغدادی، ۱۳۷۴ ش، ص ۵۰۷)

محتوای حدیث معتبر امالی شیخ مفید

حدیث معتبر امالی شیخ مفید، دو مطلب را بازگو می‌کند:

۱. دشمنی با اهل بیت (ع) موجب دخول در جهنم است؛
۲. پذیرای ولایت اهل بیت (ع) در صورت اجتناب از کبایر، گناهان کوچکش آمرزیده می‌شود.

بر اساس این روایت معتبر، مراد از سیئه در روایت حب علی، گناه کوچک است؛ چراکه امام صادق (ع) با صراحت می‌فرماید: «کسی که برای خدا دین‌داری کند - به همان چیزی که تو بدان دین‌داری می‌کنی (معتقد به ولایت و امامت ماست) - و به جز گناهان

بزرگ، سایر گناهایی که مردم مرتکب می‌شوند نیز از وی سر می‌زند، چنین کسی در بهشت خواهد بود» و به آیه ۳۰ سوره نساء برای زدودن شک از میسر، استناد می‌کنند.

از این روایت معتبر، اجمالِ مفهومیِ روایت «حب علی بن ابی‌طالب...» برداشته می‌شود و به دست می‌آید که با دوستی واقعی علی (ع) و بلکه اهل بیت علیهم‌السلام که همان اطاعت‌پذیری است، اگر بنا را بر اطاعت آنان بگذاریم و در این راه بکوشیم، در صورت غلبه هواهای نفسانی و شیطانی به واسطه محبت واقعی به آنان، گناهان کوچک را خدا می‌بخشد. با این بیان، اساساً روایت «حب علی بن ابی‌طالب حسنه...»، مجوزی برای انجام دادن گناهان و ترویج اباحه‌گری نخواهد بود؛ زیرا شیعیان به استناد سخنان امامان علیهم‌السلام بر این نکته واقفند که اصرار بر گناه صغیره، آن را به کبیره تبدیل می‌کند. امام صادق (ع) می‌فرماید:

«گناه به واسطه پافشاری، از صغیره بودن خارج و تبدیل به کبیره می‌شود و هم‌چنین گناه به سبب آمرزش خواستن، از کبیره بودن می‌افتد». (کلینی، بی‌تا، ج ۳ ص ۳۹۵)

اگر گفته شود: خداوند متعال بخشش صغیره را به خاطر اجتناب کبایر وعده داده است و اثر محبت علی (ع) چیست، می‌گوییم: بخشش از صغایر، زمانی تحقق می‌یابد که دوستی با آن حضرت وجود داشته باشد که پایه دین و فصل اخیر ایمان کامل است؛ در غیر این صورت یعنی بدون داشتن ولایت و دوستی اهل بیت علیهم‌السلام، بخشش صغایر صورت نمی‌گیرد. هم‌چنین به تعبیر آیت‌الله جوادی، «روایاتی نظیر "خلق‌الله‌الجنة لمن أطاعه وأحسن و لو كان عبدا حبشیاً و خلق النار لمن عصاه و لو كان ولداً قریشياً" (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۶، ص ۸۲)، بر این گونه روایات "حُبُّ عَلِيٍّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ" حکومت دارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ش، ج ۲، ص ۳۴۹)؛ یعنی دایره مفهوم آن‌ها را (فقط شامل بخشش صغایر شود) تنگ می‌کند.

حبط نشدن حسنه با هیچ گناهی به سبب دوستی با امام علی (ع)

حبط در لغت به معنای از بین رفتن و تباہ شدن است (اصفهانی، ۱۳۸۳، ش، ج ۱، ص ۴۴۴) و در اصطلاح علم کلام، به معنای بی‌اثر شدن ثواب کارهای شایسته به واسطه کارهای زشت بعدی است (طوسی، ۱۴۱۵، ق، ص ۴۱۳). خداوند متعال ایمان تام به ذات حق را شرط اصلی برخورداری از آمرزش تمام گناهان دانسته (نساء: ۴۸؛ نور: ۳۹-۴۰) و بخشش مطلق را با ذکر اجتناب از گناهان کبیره قید زده، می‌فرماید: *إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكُفَّرْ عَنْكُمْ

سَيِّئَاتِكُمْ...» (نساء: ۳۱). هم‌چنان که در برخی آیات بی‌اثر شدن اعمال نیک کافران (نور: ۳۹-۴۰) را ترسیم نموده، می‌فرماید: «وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا» (فرقان: ۲۳)؛ «پس اعمال کفار هر یک به منزله یک‌ذره خاکستر است که در برابر تندباد روز طوفانی قرار گیرد و چیزی و اثری از آن باقی نیست» (طباطبایی، ۱۳۷۰ ش، ج ۱۲، ص ۵۱). «ما عمل آنان را چون ذرات خاک بر باد دادیم؛ زیرا بدون ایمان و اخلاص انجام شده بود» (مغنیه، ۱۳۸۳ ش، ج ۵، ص ۷۵۲). وجه این که چرا اعمالشان حبط می‌شود؛ یعنی بی‌اجر می‌گردد، این است که «آن‌ها هیچ عملی را برای رضای خدا انجام نمی‌دهند و ثواب دار آخرت نمی‌جویند و سعادت آخرت نمی‌طلبند. در هیچ عملی یاد روز قیامت و حساب نیست». (طباطبایی، ۱۳۷۰ ش، ج ۱۳، ص ۶۷۲)

ایمان کامل به خدا، زمانی محقق می‌شود که ایمان به رسالت، معاد و امامت امامان دوازده‌گانه را به همراه داشته باشد؛ زیرا بر اساس برخی روایات، پایمال نمودن حق رسالت و امامت، شرک به خداست. امام ششم (ع) می‌فرماید:

«گناهان کبیره هفت‌تاست و دستور آن‌ها درباره ما رسیده است: شرک به خدا،... و انکار حق ما خاندان پیامبر».

سپس در توضیح شرک به خدا می‌فرماید:

«اما شرک به خدا؛ خداوند درباره ما آیاتی نازل کرده و رسول خدا هم درباره ما سفارش‌هایی فرموده ولی این مردم، خدا و پیامبر را تکذیب کردند و حق ما را پایمال نمودند و به خدای عزوجل مشرک شدند...» (صدوق، ۱۳۸۱ ش، ج ۲ ص ۱۲۱-۱۲۲)

هم‌چنین امام علی (ع) فرمودند: «... الْحَسَنَةُ حُبُّنَا وَالسَّيِّئَةُ بُغْضُنَا» (برقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۰) و در روایتی از امام باقر (ع) رسیده است: «حُبُّنَا إِيمَانٌ وَبُغْضُنَا كُفْرٌ». (کلینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۶)

با ملاحظه این نکات باید گفت: حبّ علی و اهل بیت (ع)، تشکیل‌دهنده و فصل‌اخیر ایمان کامل به خداست و این که در روایت آمده: «حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ لَا تَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ...»، یعنی حب و ایمان به علی (ع) حسنه‌ای است (چون ضمیر «مَعَهَا» در روایت، به حسنه برمی‌گردد و آن حسنه هم دوستی با علی (ع) است) که باوجود آن حسنه، هیچ گناهی اثر آن

دوستی و ایمان کامل را حبط و بی‌اثر نمی‌کند. به بیان دیگر، «گناه کار هر چند مسلمان باشد، به عذاب الهی معذب می‌شود؛ گو این که وقتی دارای ایمان باشد بالاخره به رستگاری نهایی و خلاصی از دوزخ نایل می‌گردد» (مطهری، ۱۳۷۳، ش، ج ۱، ص ۳۳۸)؛ چه آن که شرط اصلی محفوظ ماندن عمل از حبط، ایمان کامل است که آن‌هم با ولایت و دوستی اهل بیت محقق می‌شود؛ چنان که دشمنی و انکار امام علی (ع)، گناهی است که هیچ حسنه‌ای با آن گناه، نفع نمی‌رساند؛ زیرا اصل آمرزندگی را که همان ایمان تام به خدا باشد، به همراه ندارد.

با این تحلیل، بوی اباحه‌گری از روایت مورد بحث به مشام نمی‌رسد تا این که بخواهیم با تکیه بر محبت علی و اهل بیت علیهم‌السلام مرتکب زشتی بشویم. با این تحلیل، از معانی درست دیگر روایت آن است که دوستی علی (ع) حسنه‌ای است که هیچ گناهی آن اثر حسنه را بی‌اثر نمی‌کند؛ چه آن که با این دوستی، ایمان آدمی کامل بوده، این ایمان کامل، شرط اصلی محفوظ ماندن عمل نیک از آفت حبط است.

نتیجه

۱. مفهوم حبّ در روایت مورد بحث و روایات دیگر که در آن آثار محبت ذکر شده، با توجه به تفسیر مفسران از آیه ۸۶ آل عمران و ۳۶ سوره ابراهیم و برخی روایات، مرتبه سوم محبت (اطاعت‌پذیری) است.

۲. از معانی درست روایت مورد بحث آن است که با استناد به برخی آیات و روایت "میسر" از امامی شیخ مفید، دوستی علی و اهل بیت علیهم‌السلام موجب بخشش صغایر می‌شود.

۳. از معانی درست دیگر به دست آمده در پژوهش مفهوم روایت مورد بحث، این است که دوستی با امام علی (ع)، حسنه‌ای است که هیچ گناهی اثر آن را حبط نمی‌کند.

۴. با تحلیل دیدگاه چهارم و معنای به دست آمده دیگر در پژوهش، اباحه‌گری از روایت «حب علی بن ابی طالب» استنباط نمی‌شود.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن شهرآشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، نجف: منشورات المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۰.
۲. اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی الفاظ قرآن، تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۳۸۳.
۳. انصاری، محمدعلی، تفسیر مشکاه، مشهد: انتشارات هدایت نور، ۱۳۹۴.
۴. برقی، احمد بن محمد، محاسن، دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الثانية، قم: بی‌تا.
۵. پاکزاد، عبدالعلی، «ایمان و ارتکاب گناه تحلیل فقه و روش حل تعارض ظاهری رویات باب للذنوب و باب أَنَّ الْإِيْمَانَ لَا يَضُرُّ مَعَهُ سَيِّئَةٌ»، مطالعات فهم حدیث، ش ۱، سال ششم، پیاپی ۱۱، ۱۳۸۹.
۶. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: کتاب صبح، ۱۳۸۹.
۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۷.
۸. -----، رجال تفسیری، قم: نشر اسراء، ۱۳۹۳.
۹. -----، ادب فنای مقربان، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۳.
۱۰. حدادیان، عبدالرضا، اعتبارسنجی روایت «حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ لَا تَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ وَ بُغْضُهُ سَيِّئَةٌ لَا تَنْفَعُ مَعَهَا حَسَنَةٌ»، حدیث پژوهی، ش ۱۳، ۱۳۹۵.
۱۱. حداد، ابی بکر الیمنی، تفسیر الحداد، تحقیق محمد ابراهیم یحیی، بیروت: دار المدار الاسلامی، بی‌تا.
۱۲. حسینی بغدادی، سید محمدجواد، المعین علی معجم الرجال الحدیث، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۱۵.
۱۳. حلّی، حسن بن یوسف، خلاصة الأقوال، قم: نشر الفقهه، ۱۴۳۱.
۱۴. -----، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۱۵.
۱۵. خدامیان، مهدی، الصحیح فی فضل زیارة الرضویه، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۱.
۱۶. خمینی، سید روح‌الله، شرح چهل حدیث، بی‌جا، موسسه تنظیم آثار امام خمینی، ۱۳۷۶.
۱۷. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث. بی‌جا، ۱۴۱۳.
۱۸. دشتی، محمد، نهج البلاغه، قم: مشرقین، ۱۳۸۷.
۱۹. زمخشری، محمود بن عمر، کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۹.
۲۰. سبحانی، جعفر، معادشناسی در پرتو کتاب، سنت و عقل، تهران: انتشارات الزهراء، ۱۳۷۰.
۲۱. شیرازی، سلطان‌الواعظین، شب‌های پیشاور، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
۲۲. صدوق، محمد بن علی، امالی، تهران: انتشارات کتابچی، ۱۳۹۳.
۲۳. -----، عیون اخبار الرضا، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴.
۲۴. -----، معانی الاخبار، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.

۲۵. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، قم: انتشارات بقیه‌الله، ۱۳۹۲.
۲۶. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد علمی - فرهنگی علامه طباطبایی، ۱۳۷۰.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، بی‌جا، موسسه انتشارات فراهانی، ۱۳۷۸.
۲۸. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، *الامالی*، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۸۳.
۲۹. -----، *الرجال*، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۳۰.
۳۰. -----، *الفهرست*، قم: موسسه نشر الفقاهه، ۱۴۳۵.
۳۱. -----، *الغیبه*، قم: انتشارات جمکران، ۱۳۷۸.
۳۲. طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان*، تهران: کتاب‌فروشی نشر اسلام، بی‌تا.
۳۳. عرب، مرتضی، *بازکاوی اعتبار رجالی محمد بن سنان*، کتاب‌قیم، ش ۲، ۱۳۹۰.
۳۴. کاشانی، فتح‌الله، *تفسیر منهج الصادقین*، قم: چاپ و انتشارات نوید اسلام، ۱۳۸۹.
۳۵. کلینی الرازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *اصول کافی*، تهران: انتشارات چهارده معصوم، بی‌تا.
۳۶. -----، *روضه کافی*، تهران: اسلامی، ۱۳۸۲.
۳۷. مازندرانی، محمدصالح، *شرح اصول کافی*، بیروت: دار احیاء التراثی، ۱۴۲۹.
۳۸. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۳۹. -----، *مرآة العقول*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۴۰. مصباح یزدی، محمدتقی، *پندهای امام صادق (ع) به ره جوان صادق*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳.
۴۱. -----، *جرعه‌ای از دریا*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۳ ش.
۴۲. -----، *سجاده‌های سلوک*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.
۴۳. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۳.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
۴۵. مغنیه، محمدجواد، *تفسیر کاشف*، ترجمه موسی دانش، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
۴۶. مفید، محمد بن نعمان، *امالی شیخ مفید*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴.
۴۷. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، *مواهب الرحمن*، بی‌جا، دفتر آیت‌الله‌العظمی سید عبدالاعلی سبزواری، ۱۴۱۸.
۴۸. میرصانعی، سید محمدعلی، «بررسی روایت *حُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ لَا تَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ ...* و دیدگاه‌های مطرح‌شده درباره آن»، حکمت اسلامی، ش ۴، ۱۳۹۵.
۴۹. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۳۲.
۵۰. نجوانی، نعمت‌الله، *تفسیر فواتح الهیه*، تهران: انتشارات مولی، ۱۳۹۵.
۵۱. نراقی، محمد مهدی، *انیس الموحدین*، تهران: انتشارات الزهراء، ۱۳۶۹.

۵۲. نمازی، علی، *مستطرفات المعالی*، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۳۶.
۵۳. واحدی، علی بن احمد، *التفسیر البسیط*، دمشق، دارالعماد، ۱۴۳۴.
۵۴. فیض کاشانی، محمد محسن، *تفسیر شریف صافی*، قم: نوید اسلام، ۱۳۸۶.

Bibliography

The Holy Qur'an;

Anṣārī, Muḥammad-ʿAlī, *Tarḥīl Mishkāt*, Mashhad: Hidāyat-i Nūr, 2015.

ʿArab and Naqīzādīh, Murtaḍā and Ḥasan, “Bāz-kāvī-i Iʿtibār-i Rijālī-i Muḥammad b. Sanān,” In: *Kitāb-i Qayyīm*, vol. 1, no. 2, 2011.

Baḥrānī, Hāshim, *Al-Burhān fī Tafṣīr al-Qurʾān*, Tehran: Kitāb-i Ṣubḥ, 2010.

Barqī, Aḥmad b. Muḥammad, *al-Maḥāsīn*, Qum: Dār Al-Kutub Al-Islāmīyya, 1952.

Fayḍ-Kāshānī, Muḥammad b. Murtaḍā, *al-Ṣāfi fī Tafṣīr al-Qurʾān*, Qum, Navīd-i Islām, 2008.

Ḥaddād-Yamanī, Abu-Bakr, *Tafṣīr al-Ḥaddād*, edited by Muḥammad Ibrāhīm Yamanī, Libya, Dār al-Madār al-Islāmī. ۲۰۰۱,

Ḥaddādīān and Rustamī, ‘Abdul-Riḍā and Muḥammad-Ḥasan, “Iʿtibār-Sanjī-i Riwayāt-i Ḥubbu ʿAlī b. Abī-Ṭālib Ḥasanatun lā Taḍurru Maʿahā Sayyiʿa wa bughḍuhu Sayyiʿatu lā Tanfaʿu Maʿahā Ḥasana” In: *Ḥadīth-Pazhūhī*, vol. 7, no. 13, 2015.

Hillī, Ḥasan b. Yūsuf, *Kashf al-Murād fī Sharḥ Tajrīd al-Iʿtiqād*, Qum: Qum: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-i Jāmiʿa-yi Mudarrisīn-i Ḥawza-yi ʿIlmīyyah-yi Qum, 1994.

Hillī, Ḥasan b. Yūsuf, *Khulāṣa al-Aqwāl fī Maʿrifa al-Rijāl*, Qum: al-Fiqāha, 2010.

Ḥusaynī-Baghdādī, Muḥammad-Jawād, *al-Muʿīn ʿalā Muʿjam al-Rijāl al-Ḥadīth*, Mashhad: Bunyād-i Pazhūhish-hā-yi Āstān-i Quds-i Rażawī, 1994.

Ibn Babiwayh, Muḥammad b. ʿAlī, *al-Amālī*, Tehran: Kitābchī, 1997.

Ibn Babiwayh, Muḥammad b. ʿAlī, *Maʿānī al-Akḥbār*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya. ۲۰۰۵,

Ibn Babiwayh, Muḥammad b. ʿAlī, *Uyūn Akḥbār al-Riḍā*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 2006.

Ibn Shahr-Āshūb, Muḥammad b. ʿAlī, *Maʿālim al-ʿUlamā*, Najaf: Maktaba al-Ḥaydarīyya, 1960.

Jawādī-Amulī, ʿAbdullāh, *Tafṣīr-i Tasnīm*, Qum: Isrāʾ, 1985.-

- Kāshānī, Faṭḥullāh b. Shukrullāh, *Minhaj al-Ṣādiqīn fī Ilzām al-Mukhālifīn*, Qum: Navīd-i Islām, 1999.
- Khuddāmīān, Mahdī, *al-Ṣaḥīḥ fī Faḍl al-Zīāra al-Raḍawīyya*, Mashhad :Bunyād-i Pazhūhish-hā-yi Āstān-i Quds-i Rażawī, 2012.
- Khu'ī, Abul-Qāsim, *Mu'jam Rijāl al-Ḥadīth*, Qum: n.p., 1993.
- Khumaynī, Rūḥullāh, *Sharḥ-i Chihil Ḥadīth*, Tehran :Mu'assasa Tanzīm va Nashr-i Āthār-i Imām Khumaynī, 1997.
- Kulaynī, Muḥammad b. Ya'qūb, *al-Kāfī*, Tehran: Chihārdah Ma'sūm, n.d.
- Majlisī, Muḥammad-Bāqir, *Biḥār al-Anwār*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, 1983.
- Majlisī, Muḥammad-Bāqir, *Mir'āt al-Uqūl fī Sharḥ Akhbār Āl al-Rasūl*, Thran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1985.
- Makārim-Shīrāzī, Nāṣir, *Tafsīr-i Nimūni*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1972.
- Māzandarānī, Muḥammad-Ṣāliḥ, *Sharḥ Uṣūl al-Kāfī*, Beirut :Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, 2008.
- Mīr-Ṣānī'ī and Karīmī, Muḥammad-'Alī and Ḥamīd, "Barrasī-i Riwayāt-i *Hubbu 'Alī b. Abī-Ṭālib Ḥasanatun lā Taḍurru Ma'ahā Sayyi'a* va *Dīdgāh-hā-yi Maṭraḥ-shudi Darbāri-yi Ān*" In :*Hikmat-i Islām*, vol. 3, no. 4, 2017.
- Miṣbāḥ-Yazdī, Muḥammad-Taqī, *Jur'a-ī az Daryā*, Qum: Mu'assasa Pazhūhishī Imām Khumaynī, 2015.
- Miṣbāḥ-Yazdī, Muḥammad-Taqī, *Pand-hā-yi Imām Ṣādiq bi Rah-Jūyān-I Ṣādiq*, Qum: Mu'assasa Pazhūhishī Imām Khumaynī, 2005.
- Miṣbāḥ-Yazdī, Muḥammad-Taqī, *Sajjāda-hā-yi Sulūk*, Qum: Mu'assasa Pazhūhishī Imām Khumaynī, 2012.
- Mufīd, Muḥammad b. Muḥammad b. Nu'mān, *Al-Amālī*, Mashhad: Bunyād-i Pazhūhish-hā-yi Āstān-i Quds-i Rażawī, 1985.
- Mughniya, Muḥammad-Jawād, *Tafsīr al-Kāshif*, translated into Persian by Mūsā Dānish, Qum: Būstān-i Kitāb, 2005.
- Mūsawī-Shīrāzī, Muḥammad, *Shab-hā-yi Pīshāvar*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1965.
- Muṭahharī, Murtaḍā, *Majmū'a Āthār*, Tehran and Qum: Ṣadrā, 1997.
- Najāshī, Aḥmad b. 'Alī, *Rijal Najāshī*, Qum: *Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-i Jāmi'a-yi Mudarrisīn-i Ḥawza-yi 'Ilmīyyah-yi Qum*. ۱۹۸۷,

- Nakhjavānī, Ni‘matullāh b. Maḥmūd ,al—Fawātiḥ al-Ilāhīyya wa al—Mafātiḥ al-Ghaybīyya, Tehran :Mawlā, 2016.
- Namāzī, ‘Alī, Mustatrafāt al-Ma‘ālī, Qum: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-i Jāmi‘a-yi Mudarrisīn-i Ḥawza-yi ‘Ilmīyyah-yi Qum, 2015.
- Narāqī, Muḥammad-Mahdī, Anīs al-Muwahḥidīn, Tehran: al-Zahrā, 1990.
- Pākzād , ‘Abdul-‘Alī, Adab-i Fanā-yi Muqarrabān, Qum: Isrā’, 2004.
- Pākzād , ‘Abdul-‘Alī (et al.), “Īmān va Irtikāb-i Ganāh” In: Muṭālī‘āt-i Fahm-i Ḥadīth, vol .۶ .No. 1, 2010.
- Pākzād , ‘Abdul-‘Alī, Rijāl-i Tafsīrī, Qum: Isrā’, 2014.
- Rāghib Iṣfahānī, Ḥusain b .Muḥammad, al-Mufradāt fi Gharīb Alfāz al-Qur’ān, Tehran: Maktaba al-Murtaḍawī.۱۹۷۶ ,
- Sabzivārī, ‘Abdul-A‘lā, Mawāhib al-Rahmān fi Tafsīr al-Qur’ān, n.d.: Daftar-i Āyatullāh Sayyid ‘Abdul-A‘lā Sabzivārī.۱۹۹۷ ,
- Sayyid Raḏī, Muḥammad b. Ḥusayn ,Nahj al-Balāgha, translated into Persian by Muḥammad Dashī, Qum: Ḥuḍūr, 2000.
- Ṣaffār-Qummī, Muḥammad b .Ḥasan, Baṣā’ir al-Darajāt fi Faḍā’il Āl-i Muḥammad, Qum: Baqīyyatallāh, 2013.
- Subḥānī, Ja‘far, Ma‘ād-Shināsī dar Partuv-i Kitāb, Sunnat, va ‘Aql, Tehran: al-Zahrā, 1.۹۹۱
- Ṭabāṭabā’ī, Muḥammad-Ḥusayn ,al-Mīzān fi Tafsīr al-Qur’ān, Tehran: Bunyād-i ‘Ilmī-Farhangī-i ‘Allma Ṭabāṭabā’ī, 1991.
- Ṭabrisī, Faḍl b. Ḥasan, Majma‘ al-Bayān fi Tafsīr al-Qur’ān, n.p.: Farāhānī, 1999.
- Ṭayyib, Abdul-Ḥusayn, Aṭyab al-Bayān fi Tafsīr al-Qur’ān, Tehran: Islām, 1999.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan b. ‘Alī ,al-Amālī, Qum: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-i Jāmi‘a-yi Mudarrisīn-i Ḥawza-yi ‘Ilmīyyah-yi Qum, 2006.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan b. ‘Alī ,Fihrist Kutub al-Shī‘a wa Uṣūlihim, Qum: al-Fiqāha, 2.۰۱۴
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan b. ‘Alī ,al-Ghayba, Qum: Jamkarān.۲۰۰۰ ,
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan b. ‘Alī ,Rijāl al-Ṭūsī, Qum: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-i Jāmi‘a-yi Mudarrisīn-i Ḥawza-yi ‘Ilmīyyah-yi Qum, 2006.
- Wāḥidī, ‘Alī b .Muḥammad, al-Tafsīr al-Basīṭ, Damascus: Dār al-‘Imād, 2013.
- Zamakhsharī ,Maḥmūd, al-Kashshāf ‘an Ḥaqā’iq al-Ta’wīl wa Ghawāmiḍ al-Tanzīl, Beirut: Dār al-Kitāb al-‘Arabī, 1987.



فهرست مقالات

- ۹..... بررسی فقه‌الحدیثی و دیدگاه مفسران درباره روایت «حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ...»
عبدالعلی پاکزاد | محمود قیوم زاده
- ۳۷ نقد و بررسی شأن نزول آیه ۲۰۷ بقره در روایات فریقین
عزت اله مولایی نیا
- ۶۵..... بررسی «هدایت» در آیه ۲۱ سوره ابراهیم در میراث تفسیری از ره گذر سیاق و تقابل
محسن دیمه‌کار گراب | سیده فرناز اتحاد
- ۹۱ واکاوی تطبیقی دیدگاه مفسران درباره آیه ۶ سوره یس
کرم سیاوشی | محمد صالح جباری
- ۱۱۷..... بازشناسی ماهیت و مؤلفه‌های بدعت از دیدگاه مفسران
محمدجواد جاوری | سید محمدعلی ایازی
- ۱۴۷..... واکاوی نقدهای ابن عادل بر زمخشری در برداشت‌های کلامی- ادبی از آیات در تفاسیر اللباب و الکشاف
کیوان احسانی
- ۱۷۱..... مخاطب‌شناسی در آیه ۱۲۶ سوره نحل
محمدحسین واثقی راد
- ۱۹۱..... بررسی و تحلیل آراء مفسران قرآن از مفهوم «اصطفاء» و «عالمین» در آیه ۴۲ سوره آل عمران
داود اسماعیلی
- ۲۱۹..... تفسیر آیه یازدهم سوره رعد از نگاه مفسران فریقین
محمدجواد اسکندرلو
- ۲۴۳..... اعتبارسنجی روایات فریقین درباره مصادیق آیه ۱۰۱ سوره انبیاء
میثم کهن‌ترانی
- ۲۷۳..... دلالت‌سنجی واژه «البیان» در آیه «علمه البیان» بر نطق و تکلم انسان از نگاه مفسران فریقین
احمد کریمی | فیروز اصلانی الوار
- ۲۹۵..... ارزیابی دیدگاه مفسران درباره «قدم صدق» در سوره یونس، با رویکرد سازگاری سیاق آیات با روایات تفسیری با تأکید بر روایات امامیه
مرضیه قدوسی | سیدمهدی مرتضوی | عاطفه زرسازان

